

## نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی

سیداسماعیل حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

مادر در فرهنگ ایران بویژه در میان قوم کرد از شأن و جایگاه والایی برخوردار است. این ارزش و مقام تا بدان پایه است که در بسیاری از انواع شعرها و ترانه‌های کردی، نام و یاد او دیده می‌شود. لالایی گفتن از نوع نوازش‌های مادرانه است. ترانه‌هایی که با عشق و علاقه هنگام خواباندن فرزندان در گوش آنان سروده می‌شود و چه بسا مضامین این ترانه‌ها، زیست آینده فرزندان را رقم زند. روحیه حماسه، رشادت، دلیری و شجاعت را می‌توان به وضوح در این ترانه‌ها جستجو کرد. در این مقاله، نمونه‌هایی از این ترانه‌ها آورده شده است. لالایی، «گورگانه‌شهووی» و «هه‌لپه‌راندن» از انواع نوازش‌های مادرانه هنگام خواباندن و بیدار کردن کودکان است. همچنین، بررسی جایگاه مادر در برخی ترانه‌ها نیز ما را با نظام خانوادگی در یکی از خرده‌فرهنگ‌های کهن این سرزمین آشنا می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ مردم کرد، مادر در فرهنگ کردی، لالایی در فرهنگ

کردی، گورگانه‌شهووی، هه‌لپه‌راندن

---

۱. کارشناسی زبان و ادبیات عرب و پژوهشگر فرهنگ مردم کرد sedhosseini@gmail.com

## مقدمه

زندگی اجتماعی کردها، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و در طی این دوران همیشه «مادر» از شأن و جایگاه والایی برخوردار بوده است. این منزلت و جایگاه در تمام حوزه‌های فرهنگ عامه این قوم دیده می‌شود. به طور کلی، نظام خانوادگی در میان کردان از اهمیت فراوانی برخوردار است و در این نظام، مادر منزلتی فراتر از سایر اعضای خانواده دارد. در این فرهنگ، مادر ستون اصلی خانواده محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در میان ترانه‌ها، بیت زیر در میان کردها بسیار رایج است:

ژن له لادی دا کوله که‌ی ماله زه‌حمه‌تکیش دایم چوار وهرزه‌ی ساله

žen le lâde dâ kula key mâla, zahmatkiš dâym çûarwezey sâla

زن در روستا ستون خانه محسوب می‌شود، او در تمام فصول سال در خانه و مزرعه مشغول کار و تلاش و فعالیت و بسیار زحمتکش است. همچنین، در کردستان رسم است که فرزندان شجاع و دلیر را که حماسه آفریده‌اند به مادرانشان نسبت می‌دهند، بویژه آن دسته از سرداران رشید که در گذشته علیه ستمکاران و خوانین قلدر قد برافراشته‌اند و منبع برخی ترانه‌های حماسی هستند. فلسفه این نسبت دادن، از جایگاه مادران در این فرهنگ نشأت می‌گیرد. کردها بر این باورند که فرزندان، خصلت‌های نیک، شجاعت و جوانمردی را از مادر به ارث می‌برد و این نسبت دادن خود نوعی تکریم مادر محسوب می‌شود.

در اصطلاح کردی، خانه، «که‌ی‌بانو» نامیده می‌شود که معادل همان «کدبانو» در زبان فارسی است. چنین اصطلاحی، می‌تواند به لحاظ زبان‌شناسی

۱. در کردستان ایران و عراق طایفه‌ای زندگی می‌کنند که به «ایل مَنگُور» معروف هستند. در این ایل، مردان به مادرانشان نسبت داده می‌شوند و به این انتساب افتخار می‌کنند و آن را نشانه عزت و سربلندی می‌دانند. به طور مثال می‌گویند: «خوله پیزه» (xula pizza) یعنی «محمود فرزند فیروزه»

## نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی ❖ ۷۵

تحلیل شود، اما آنچه در ظاهر امر پیداست، نشان‌دهنده منزلت و ارزش بانوی خانه و مادر خانواده است.

نظام مستحکم خانوادگی در میان کردان، چنان با جایگاه بانوی خانه گره خورده است که اساس شکل‌گیری خانه را به زن نسبت می‌دهند و این اصطلاح همواره میان مردم کرد رایج است که می‌گویند: «ژن و مال» (žen o mâl) یعنی زن و خانواده.

ضرب‌المثل کردی زیر نیز موضوع را روشن‌تر می‌کند:  
خوا ژنی درست کرده و ژنیش مال

xouâ ženi dorost kerda, va ženiš mâl

خداوند زن را آفرید و زن نیز خانواده را

### جایگاه کودک در فرهنگ کردی

در فرهنگ کردها، کودک نیز اهمیت بسیار دارد. از این رو در فرهنگ این



قوم، کلماتی مانند مادر، گهواره و لالایی از جایگاه ارزشی والایی برخوردار است. خانه بدون مادر و بچه رونق و صفایی ندارد. ضرب‌المثل زیر در محاورات روزمره دیده می‌شود:

mendâl mivey mâla

مندال میوه‌ی ماله

بچه، پسر یا دختر، میوه خانه و زندگی است

مالی ده‌لهمه‌ند له پاره و سامان دئه‌توانری بروو خنریت به‌لام مالی

ده‌لهمه‌ند له مندال دا ناتوانریت بروو خنریت

mâli dowlamand la pâre o sâmân dâ atvânrey boru xenreyt balâm  
mâli dowlamand la mendâl dâ nâtvânreyt boru xenreyt

می‌توان خانه‌ای را که براساس پول و ثروت بنا شده است، تخریب کرد، اما  
خانه‌ای که ثروت آن از تعداد فرزندان است، هرگز نمی‌توان تخریب کرد.

ئو ماله‌ی مندالی تیا بت شه‌یتانی تی ناچیت

ow mâley mendâli tiyâ bet šeytâni ti nâçet

هر خانه‌ای که در آن بچه وجود داشته باشد، شیطان هرگز به آن راه  
نمی‌یابد.

از همین رو، برای وسایل مربوط به او، واژگان متعدد و متنوعی وجود  
دارد. به طور مثال، در زبان کردی برای گهواره و پیرامون آن، واژه‌های مختلفی  
به کار می‌برند که عبارت‌اند از:

بشکه (beška): همان گهواره است که اشکال مختلف دارد.

جولانه (jowlâna): نوعی تاب است که مادر به درخت می‌بندد و با تکان  
دادن آن کودک را می‌خواباند. این نوع گهواره، بیشتر در مزارع و باغات مورد  
استفاده قرار می‌گیرد، چون در بیرون از خانه دسترسی به گهواره چندان آسان  
نیست.

لانک (lânek): همان گهواره است با این تفاوت که لانک را از چوب‌های  
قیمتی درست می‌کنند.

لانکولی (lânkoli): نام یکی از ترانه‌های فولکلور کردی است که از زبان  
مادران خوانده می‌شود. بندی از آن به این شرح است:

lânek lânek lânkole لانک لانک لانکولی

ای طفل دل‌بندم که گهواره‌ات (لانک) را می‌جنبانم

lânek le dâr he nâre لانک له دار هه ناری

گهواره‌ات از چوب درخت انار ساخته شده

lânkey bekrem bu çow jovâney لانکی بکرم بوچاو جوانی

نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی ❖ ۷۷

گهواره‌ای می‌خرم برای جگر گوشه‌ام که چشمانی زیبا دارد  
 هه ی روله، سه‌ر دل خربی، باب مردووی

hey rula ser dol xerbi bâb merdue

چرا خوابت نمی‌برد فرزند عزیزم؟ لالایی چرا خوابت نمی‌بره؟  
 شو دره نگه بو جی ژوانی

šow deranga bo ji žuvâne

بخواب خیلی دیره...! می‌خواهم به میعادگاه عاشقان نماز صبح بروم من هم

باید بخوابم

ئه‌وا روژی رووناکه هه‌مووعاله‌م ده‌یزانی

avâ ruži runâka hamo ?alam deyzâne

بخواب فرزندم، فجر صادق و سپیده صبح نزدیک است همه مردم می‌دانند.

### لالایی‌ها

یکی از نواها و نوازش‌های بسیار زیبای مادرانه، همان لالایی است که برای کودک می‌خوانند تا به خواب شیرین رود. لحن لالایی بسیار نرم و آرام و به شیوه مویه کردن است که با صدایی محزون اجرا می‌شود. اشعار لالایی‌ها اغلب از نوع فولکلوریک است که به تناسب هر منطقه، گونه‌های مختلف دارد. به طور کلی لالایی برای کودک حالت یکی از نغمه‌های آسمانی را دارد که همراه با عطوفت مادرانه توأم با عشق آسمانی سروده می‌شود. این نغمه‌های زیبا و آرام، در نوزاد یا طفل شیرخوار حالتی را به وجود می‌آورد که موجب می‌شود کودک آرام شود و به خواب شیرین برود.

در زبان کردی برای نوزاد و کودک شیرخوار، واژه «زارو» (zâro) به کار می‌برند و مویه کردن را «لاواندنه وه» (lâvândana va) می‌گویند.

اشعار لالایی برای پسر و دختر تقریباً یکسان است و تنها برخی عبارات و اصطلاحات را بر اساس دختر یا پسر بودن نوزاد تغییر می‌دهند. اما اشعار رقصانند نوزاد پس از بیدار شدن از خواب و بیرون آوردن از گهواره که در

اصطلاح کردی به آن «هه‌لپه‌راندن» (halparânden) می‌گویند، برای کودک دختر و پسر متفاوت بیان می‌شود.

در زیر چند نمونه از این لالایی‌ها نقل می‌شود:

lây lâya rula, rula lây lâya      لای لایه روله، روله لای لایه  
 لالا فرزندم، فرزندم لالایی  
 šowgâr derange buxot nâya      شه‌وگار دره‌نگه بوخه‌وت نایه؟!  
 شب سپری می‌شود، دیر شده، چرا خوابت نمی‌برد؟  
 یاخوا کورپه ی من دوور به له دهردان

yâ xowâ korpay men dur be le dar dân

خدایا طفل نوزاد من از همه دردها به دور باد

?azâri na vey lagal hâm fardân      نازاری نه وی له‌گه‌ل هام فاردان  
 با رفیقان و هم‌قطارانش هیچ آزار و گزندى به وی نرسد  
 rulam lây lâyi rulam lây lâyi      روله‌م لای لایی، روله‌م لای لایی  
 لالا فرزندم، فرزندم لالایی

ešaw zur zuren boč xowet nâye?!      اشو زور زورهن بوچ خه‌وت نایی?!  
 کارهای زیادی دارم چرا خوابت نمی‌برد؟!

لالایی زیر به زیباترین شیوه، احساسات مادرانه را با احساس پاک خداپرستی در می‌آمیزد:

lây lâya ?ay menâli čâk      لای لایه ئە‌ی منالی چاک  
 لالا ای بچه خوب و دل‌بند  
 ?ay čowraši ?abru kavân      ئە‌ی چاوره‌شی ئە‌برو که‌وان  
 ای سیه‌چشم ابرو کمانی

کاتی بیرت لی ئە‌ه که مه وه دلم پرئه بیت له خوشه ویستی

kâti biret li akamava delem per ebit la xoša visti

هر گاه به فکر تو فرو می‌روم، قلبم مملو از عشق و دوستی می‌شود

نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی ❖ ۷۹

- benu be hivâši, benu be bidangi بنوو به هیواشی، بنوو به بیده‌نگی  
 آرام و بدون سر و صدا بخواب در گهواره‌ات
- lây lâya ?ay menâli čâk لای لایه ای منالی چاک  
 لالا ای بچه خوب و دل‌بند
- menâle nâskulakam zugawra beba منه‌له ناسکوله که م زوو گه وره ببه  
 نوزاد نازک و با نمک من، زود بزرگ شو
- beba ba pâl pešti bâvoket ببه به پال پستی باوکت  
 تکیه‌گاه خوبی برای پدرت باش
- gowre bebo o beba be piyâviki ?âzâ گوره ببه و ببه به پیاویکی نازا  
 بزرگ شو و خودت را به مردی شجاع و بی‌باک مبدل کن
- denyâyi tâzamân bepâriza دنیای تازه‌مان بپاریزه  
 دنیای جدید ما را پاسداری کن
- benuve be hivâši benube bi dangi بنووه به هیواشی بنو به بی ده‌نگی  
 آرام و بدون سر و صدا بخواب در گهواره‌ات
- lây lâya ?ay menâli čâk لای لایه ئه ی منالی چاک  
 لالا ای بچه خوب و دل‌بند
- شه و داهات و دایک و باوکت را کشاون
- šow dâhât o dâyik o bâvukat râkšâven اینک شب فرارسیده و پدر و مادرت آرمیده‌اند  
 ئاسکه که ش له گه ل به چکه کانیدا نووستون
- âs kakaš la gow la bačka kânidâ nustun آهو نیز با بچه‌هایش خوابیده است  
 ئه ستیره کان دهر که‌وتن و مانگ به رز بوه‌وه
- astirakân dar kowten o mâng barz buva ستاره‌ها درخشیدند و ماه اوج گرفت  
 ئه‌ی چیا کان ئه ی چه مه کان به بی ده‌نگی بنوون
- ay čiyâkân ay čamakân bebi dangi benun

ای کوه‌ها، ای رودخانه‌ها، بدون سر و صدا بخوابید  
 بنوو به هیواشی، بنو به بی ده نگی *benuve be hivâši benube bi dangi*  
 شما نیز فرزند دلبندم، آرام و بی صدا به خواب خوش فرو رو  
 لای لایه نه ی منالی چاک *lây lâya ?ay menâli çâk*  
 لالا لالا ای فرزند خوب و دلبندم

### گورگانه شهوی (gorgâna šavi)

پس از لالایی، زیباترین نواهای مادرانه برای خواب کردن بچه، سرودن «گورگانه شهوی» برای اوست. اصطلاح گورگانه شهوی، به معنای آمدن گرگ در شب است و نوعی قصه‌گویی منظوم برای کودکان به شمار می‌رود؛ یعنی مادران برای خواباندن کودکان ترانه‌هایی را در قالب قصه برای کودکان می‌خوانند.

یکی از شیوه‌های منظوم «گورگانه شهوی» به این شکل است که مادر با مویه کردن و لحنی خاص، این اشعار را می‌خواند تا کودک به خواب رود:

گورگانه شهوی، گورگانه شهوی *gorgâna šavi, gorgâna šavi*  
 گرگ شبگرد، گرگ شبگرد

به رخه، بچکوله کهم خهوی لیکهوی *barxa bečkulakam xeve likeve*  
 برو دور شو تا نوزاد دلبند و جگرگوشه‌ام خوابش ببرد

لوره‌ی توی ناوی، لای لایه ی نهوی *lurey tovi nâve, lây laye ?ave*  
 او لالایی می‌خواهد نه زوزه نحس شما را

نه‌لی له مالی نیمه دوور که وی *?aley la mâli ?ime durkave*  
 می‌گویم از خانه ما دور شو ای گرگ بدجنس

پیا خوره زله، پیا خوره زله *piyâ xura zela, piyâ xure zela*  
 گرگ آدمخوار، گرگ آدمخوار بدریخت

کورپه کهم له گهل دایکیا ده‌ست له مله  
*kurpakam lagel dâyikiyâ dast la mela*

نوزاد من دست در گردن مادرش انداخته است



نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی ❖ ۸۱

merey tovi nâve hogeri bolbola      هو گری بولبوله  
مراهی توی ناوی، هو گری بولبوله  
طفل من غریدن تهدیدآمیز تو را نمی‌خواهد، به صدای بلبل عادت کرده  
است

hiçet belutey nâbey lam gard o xula  
هیچت به لووته‌ی نابیی له‌م گه‌رد و خوله

از خودنمایی و تهدید، هیچ چیز نصیب تو نخواهد شد  
وہ دوور که وه تانہیا نداویته بهر گوڤه

ve dur ka vatâ nhyân dâvita bar golla

برو دور شو تا با تیر تو را نزده‌اند

که متیاری سم پان، که متیاری سم پان

kom tiyâri sam pân kam tiyâri sem pân

ای کفتار سم پهن، ای کفتار سم گشاد

روله شیرینه که‌م نووستوه له هه‌یوان

rula širinakam nustuva la hayvân

فرزند دل‌بند من زیر سقف ایوان خوابیده است

سپار دوومه به پیغه مبه‌ر و یه زدان

sepâr duma ba peyqambar o yazdân

او را به خداوند و پیامبرش سپرده‌ام، به آیه‌های قرآن

به ثایه‌تی قورئان، بالووره‌ی تو ببریت له گویمان

ba ?âyati qor?ân bâlurey to bebereyt lagoonmân

تا زوزه نحس تو در گوش ما قطع شود...

«هه‌لیه راندن» (halpa rânden) یا رقصاندن کودک

مادر کرد، تنها با گفتن لالایی و خواباندن طفل در گهواره، نوازش‌های خود  
را به پایان نمی‌برد، بلکه پس از بیدار شدن طفل نیز او را می‌رقصاند و نوازش

می‌دهد تا کودک، با تمام وجود نوازش‌ها و عطف‌ها را احساس کند و از آن سیراب شود.

«هه‌لیه راندن» رقصاندن کودکی است که از خواب بیدار شده است. مادر برای سرحال آوردن کودک، برای او شعر و آواز محلی می‌خواند. یکی از آرزوهای هر مادری هنگام رقصاندن فرزندش، دیدن لبخند بر صورت کودکش است زیرا زنان کرد می‌گویند، نوزاد می‌تواند فرشته‌ها را ببیند و به همین دلیل به آنها لبخند می‌زند.

شعر رقصاندن طفل، برای دختران و پسران متفاوت است و این نوع نوازش فرزندان نشان‌دهنده جایگاه کودک و فرزند در این فرهنگ است. در زیر دو نمونه از این ترانه‌ها آمده است:

### ● هه‌لیه راندن برای دختران

babaret merem har handi به به رت مرم هه ر هه ندی

فدایت شوم ای دختر با شرم و حیای من

šakar o nabât o qandi شه کر ونه بات و قه ندی

مانند قند و شکر و نبات شیرینی

gol boy ba bâxem çandi گول بووی به باخم چاندی

گلی بودی که تو را در باغ کاشتم

la bâxavânem sândi له باخه وانم ساندی

تو را از باغبان گرفتم

### هه‌لیه راندن برای پسران

vak bâzi le sar çangi وهک بازی له سه ر چه نگی

پسر! مانند [پرنده] بازی هستی که چنگ تیز کرده

ša mâ mo key haft rangy شه ما مو که ی هفت ره نگی

دستنبوی هفت رنگ من هستی

kureke čanda čalangi

کورکی چه نده چه له نگی

چه پسر برازنده‌ای دارم

### جایگاه مادر در لالایی‌ها

بخش عمده‌ای از فرهنگ مردم کرد را ترانه‌ها تشکیل می‌دهند. در زبان کردی به ترانه، «گورانی» گفته می‌شود. گورانی منسوب به «گوران»، نام یکی از قبایل اصیل و معروف کرد است که در آغاز از طریق گله‌داری و زیستن در دامنه کوهستان‌ها، روزگار می‌گذراندند و از طریق دامداری و کشاورزی امرار معاش می‌کردند. زیستن در دامن طبیعت موجب شده بود تا افراد این قوم، نغمه‌ها و سروده‌های دلنشین سردهند. به این ترتیب در طول زمان، هر گونه ترانه زیبا و دلنشین به لهجه قوم مذکور نسبت داده می‌شد و آن را «گورانی» نام می‌نهادند. (مکری، ۱۹۹۳: ۳۳)



در زبان کردی، گورانی زیرمجموعه‌های مختلفی همانند ترانه‌های عاشقانه، آواز نشاط‌انگیز یا مهیج، آواها و نواهای کار، ترانه‌های حماسی، ملی و وطنی (سرود) و نواهای دینی دارد که ممکن است در همه این انواع نام مادر و یاد او به میان آید.

نام بردن از مادر و مقام وی در ترانه‌های کردی، گاهی به طور مستقیم و گاهی غیرمستقیم صورت می‌گیرد.

این ترانه‌ها معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. ترانه‌هایی که از زبان مردم جاری می‌شوند؛ در آنها از مقام مادران سخن گفته می‌شود.

۲. ترانه‌هایی که بر زبان خود مادران جاری می‌شوند، خواه به صورت آواها و نواهای کار باشند یا به صورت ترانه‌های عادی که همگی جنبه عاطفی دارند؛ مانند لالایی‌ها.

همچنین، ممکن است اجراکننده ترانه، مرد باشد، اما ترانه از زبان مادر بیان شده باشد. در برخی از ترانه‌های کردی که خوانندگان مرد آن را اجرا می‌کنند، بیان عذوفت مادرانه و گفتن لالایی برای طفل در گهواره است. برخی موضوعات بیان و تصویر نیز هر چند در قالب موضوعات عاشقانه است، اما ناگهان ترانه‌سرا به صحنه لالایی گفتن مادران برخورد می‌کند و به کلی منقلب می‌شود و ترانه وارد مسیر دیگری می‌شود. (شاربازی، بی تا: ۸۴)

در اینجا دو نمونه از این نوع ترانه‌ها نقل می‌شود:

daçma mâli leylâye	ده چمه مالی له یلایی
	آهنگ رفتن به منزل لیلی کردم
darka yân ba paržina	دهرکه یان به په‌رژینه
	درب آن از نوع پرچین است
sarem be žure dâ kerd	سهرم به ژووره دا کرد
	وارد آن خانه دلنشین شدم
dâko o kiž dâniština	داکه و کیژ دانیشتینه
	دیدم که مادر و دختر نشسته‌اند
semâvaryân juš dâbu	سه‌ماوهریان جوش دابوو
	سماور را جوش آورده بودند

نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی ❖ ۸۵

beski bašey dâdina                      بسکی به شه‌ی دادینه  
 مادر سر دختر را شانه می‌کرد  
 dayik lâlâyi da got                      دایک لالایه‌ی ده‌گوت  
 مادر برای دخترش لالایی می‌خواند  
 ba ešqi šây madina                      به عیشقی شای مه‌دینه  
 به عشق شاه‌مدینه حضرت محمد ﷺ (بوسکانی، بی‌تا: ۹۶)

\*\*\*

dačme mâli da lâle                      ده‌چمه مالی ده‌لالی  
 آهنگ رفتن به خانه زیبای دلکش کردم  
 darkey rulea safine                      ده‌ر که‌ی رووله سه‌فینی  
 در آن رو به طرف کوه بلند سفین است  
 sarem ba žurey dâ kerd                      سه‌رم به ژووری دا کرد  
 وارد آن خانه زیبا و دلنشین شدم  
 kavek ?avâ daxine                      که‌وه ک‌ئه واده‌خینی  
 دیدم که کبکی مشغول آواز خواندن است  
 mahhbubeyek dâništebu                      مه‌حبوبه‌یه‌ک دانیشته‌بو  
 محبوبه‌ای (یعنی مادر) نشست‌ه بود  
 ba pey vi lânki da žini                      به پی‌وی لانکی ده‌ژینی  
 که با پایش گهواره را می‌جنباند  
 lâlây bu kurpey dagu                      لالای بو کورپه‌ی ده‌گوو  
 برای طفل نوزادش لالایی می‌خواند  
 nâvi meniš lal deniy                      ناوی منیش له‌ل دنی

اسم مرا نیز در لالایی به میان می‌آورد (همان: ۹۵)

در فرهنگ کردی، ترانه‌های باشکوه بسیاری برای مادران سروده شده‌اند که در زیر به یکی از آنها اشاره می‌شود:

ئە ی فریشتە ی مەحەببەت، ئە ی کانگای خوشی و رحمت  
ay ferīštey mahhabbat ay kângây xoši o rahmat

ای فرشته محبت، ای سرچشمه نشاط و رحمت  
تو پەریچی بەهاری، جوانترین گولی گولزاری  
to pariçi bahâri juânterin goli golzâri

تو قاصدک بهار و زیباترین گل‌های هر گلشنی  
دایه، دەردت لیم کهوه، مەرگت وه پیشم کهوه  
dâye dardet lim keva, marget va pišem kave

مادر، دردت به جانم، مرگ تو را هرگز نبینم  
بوسپاس له تو دایه، زمان له گەلم دایه  
bu sepâs la to dâya, zemân la gelem dâya

برای سپاس از تو، زبان همراه من است  
لاله، چی بلی ناتوانی چونکه له تاوت نایه  
lâla çi beli nâtevâni çonke le tâvet nâye

اما گنگ، چون از عهده این سپاس بر نمی‌آید  
ئه تو فریشتە ی دایه، بت پاریزی ئەوخوایه  
?ato ferīštey dâya, bet pârizi aw xuâya

ای مادر، تو فرشته‌ای، خداوند نگهدارت بادا  
دایه، ده سم داوینت، هاتنی قەدی خاوینت  
dâya dasem dâvinet hâteni qadi xâvinet

ای مادر، دست من و دامن پرمهرت، قامت پاکت  
هاتنی خوشه ویسته کهت، لالایی خەم دەوینت  
hâteni xoša vista ket, lâlayi xom dâvinet

و آن لالایی‌های غم‌زدای تو  
نه چی بره نجی له من، ئە که ی دل مەندبی له من  
na çi berenji le men, ?akey del mandbi la men

مبادا از من آزرده شوی و چیزی به دل بگیری

نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی ❖ ۸۷

دایکی دلسوز و نازیز، خوشه ویس تر له چاوم

dâyki delsuz o ?âziz, xoše vester le çavom

ای مادر عزیز و دلسوز من، ای عزیزتر از چشمانم

به خت و مانم به تویه، بی تو که‌ی بوو له ناوم

baxt o mânem batoya, bi to key bu le nâvem

زیستن و ماندن من در سایه عطوفت توست

که تو بی مینیش شادم، به بی تویی مورادم

ke to bi miniš šâdem, be bito bi morâdem

اگر تو باشی من نیز شاد و شادمانم

دایکی به ریز و نازیز، تو خواقهت لیم نه‌بی زیز

dâyki be rizo âziz to xo âqat limna biziz

در غیر این صورت نامردم و اندوهگین

ئه تو به هاری ژینی، ئه مینیش نه وروز و گه زیز

?ato behâri žini ?a mamiš nawruzoz gaziz

ای مادر عزیز و گرامی من، تو را به خدا قسم، هرگز از من دلخور نشو

دایه، له سهرت گه ریم، توی چرارنمای ریم

dâya la saret garim, tovi çerow orenemây o rim

تو بهار زندگی من هستی و من گل نویر آن، ای مادر، تو چراغ راه و

رهنمای من هستی

\*\*\*

قه‌سه‌م وه‌دیده‌ی بی‌خاوت، شه‌وزینده دارت

qasam va didey bi xâvet šow zindedâret

سوگند به چشمان بی‌خواب و شب زنده‌دار تو ای مادر

به ده‌نگی خه‌سته‌ی: روله‌ی من، شه‌وه‌یل تارت

ba dangi xastey ruley men šaveyle târet

سوگند به صدای خسته: فرزندم! در دل شب‌های تار

گونای گولناریت له پیری ره‌نگی خه‌زانه

gunây golnârit le piri rang xazâna

رخساره گلنار گونه‌ات در پیری مانند خزان است

زهرده‌ی زولفت چینه به غم وره‌نگی زه‌مانه

zardey zolfet čine be qamo rangi zamâna

طره زلفت رنگ غم و غصه زمانه را به خود گرفته است

ئه‌ی روشنای گلارام، ئومیدم، فریشته ی ته ک سه‌وار

ey rušenâyi gelârâm, omidem ferîštey tak savâr

ای روشنایی دیدگان، مایه امید من، فرشته تک‌سوار

ده‌سمه دامانت، چاه و کهم نه کاشینت هاوار

des me dâmânet čavakam na kâšinet hâvâr

دست من و دامن پرمهرت، مبادا چشمانم در سوگ تو اشک‌ریزان شوند

من په روه‌ده‌ی دامانت، ئه‌ی گیانم وه قوربان‌ت ئاوی حه‌یاتم

men parvardey dâmânet ey giyânem va qorbânet ?âvi hayâtem

ای جانم فدایت مادر، من پرورش‌یافته دامان تو هستم تو برای من مثل آب

حیات می‌مانی

### جمع‌بندی

بخش عمده‌ای از فرهنگ عامیانه مردم کرد را ترانه‌ها تشکیل می‌دهند. این ترانه‌ها در قالب‌ها و موضوعات مختلفی سروده شده‌اند. «لالایی»، «گورگانه شه‌وی» و «هه‌لیه راندن» از جمله سروده‌های عامیانه‌ای هستند که مادران برای نوازش فرزندان خردسالشان می‌خوانند. این سروده‌ها از لحاظ زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و تحلیل فرهنگی حایز اهمیت هستند و بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی یک قوم و ملت را نشان می‌دهند. در فرهنگ مردم کرد، مادران از جایگاه والایی برخوردارند که یکی از دلایل این جایگاه، ارتباط عمیقی است



که در دوران خردسالی میان کودک و مادر به وجود می‌آید. مادران کرد در نظام خانوادگی، افرادی با نقش‌های مهم و مؤثر هستند تا بدان پایه که در بسیاری از سروده‌های حماسی، سرداران رشید کرد با نام مادرانشان ستوده می‌شوند. این مادران از کودکی عشق، حماسه و شهادت را در انواع لالایی‌ها و سایر نوازش‌ها به کودکانشان آموزش می‌دهند و آنان را برای زندگی شرافتمند و حماسی آماده می‌کنند. این فرزندان نیز در دوره جوانی و بزرگسالی با احترام به مادران، زحمات آنان را پاس می‌دارند؛ چنان که در بررسی ترانه‌های فولکلوریک، این عشق و احترام دیده می‌شود.



## منابع

۱. بوسکانی، علی (بی تا) نرگس (مجموعه اشعار فولکلوری کردی)، عراق: بی نا.
۲. شارباژیری، عثمان (بی تا) گنجینه ترانه‌های کردی، کردستان عراق: بی نا.
۳. مکرری، محمد (۱۹۹۳) ترانه‌های کردی، به کوشش امیرسیف‌الدین مکرری، پاریس: انتشارات زیگفرید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی